


Polygamy from the Perspective of the Bible and the Holy Quran

✉ **Yahya Noormohammadi Najafabadi**  / Assistant Professor of Theology and Islamic Studies, Faculty of Literature and Humanities, Malayer University normohamadi126@malayeru.ac.ir

Haitham Booazar / Assistant Professor of Theology and Islamic Studies, Faculty of Literature and Humanities, Malayer University haitham.booazar@malayeru.ac.ir

Jamal Sorush / Assistant Professor of Islamic Philosophy and Theology, Faculty of Literature and Humanities, Malayer University jsorush@yahoo.com


Received: 2023/11/30 - **Accepted:** 2024/04/25

Abstract

In various sciences, especially the humanities and religious studies, polygamy has been of interest as an important topic in cultural and social discussions. The Bible (Old Testament and New Testament) and the Quran also have teachings on this matter. Using the descriptive-analytical-comparative method, this article shows that polygamy is accepted implicitly in the Old Testament (the stories of the prophets and jurisprudential rulings) and explicitly in the Quran. Although the New Testament explicitly mentions the permissibility of polygamy, there is no explicit prohibition on it (unlike the teachings of Christianity). The Quran explicitly allows polygamy, but gives priority to monogamy; therefore, contrary to the the Old Testament, it explicitly limits the number of wives and imposes strict rules for it. No explanation of the number of wives and other rules of polygamy can be found in the Bible. Also, unlike the Bible, which does not address the wisdom and expediency of polygamy, the Quran states the social benefits and the philosophy of polygamy.

Keywords: Polygamy, Bible, Old Testament, New Testament, the Holy Quran.

چندهمسری از منظر کتاب مقدس و قرآن کریم

کلیه یحیی نورمحمدی نجف‌آبادی  استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ملایر
normohamadi126@malayeru.ac.ir

هیثم بوعدار / استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ملایر
haitham.boozar@malayeru.ac.ir

جمال سروش / استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ملایر
jsrush@yahoo.com

دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۹ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۶

چکیده

در مباحث مربوط به خانواده مسئله چندهمسری مورد توجه علوم مختلف به‌ویژه علوم انسانی و دینی بوده است و از موضوعات قابل اهمیت در حوزه مباحث فرهنگی و اجتماعی به‌شمار می‌آید. کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید) و قرآن نیز آموزه‌هایی در این باره بیان کرده‌اند. در این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی - تطبیقی روشن گردید که از میان گونه‌های مختلف چندهمسری صرفاً گونه تعدد زوجات در عهد عتیق به‌صورت ضمنی (داستان‌های انبیا و احکام فقهی) و در قرآن به‌صورت صریح مورد پذیرش قرار گرفته است. در عهد جدید نیز اگرچه درباره جواز آن صراحتاً چیزی گفته نشده است، اما هیچ تصریحی بر ممنوعیت آن وجود ندارد (برخلاف آموزه‌های دین مسیحیت). قرآن در عین آنکه صراحتاً تعدد زوجات را مجاز دانسته، اولویت را به‌گونه تک‌همسری داده است؛ از این‌رو برخلاف ظاهر عهد عتیق تعداد مجاز زوجات را صراحتاً محدود و احکام سختگیرانه‌ای را برای آن وضع کرده است. در کتاب مقدس تبیینی از تعداد مجاز و سایر احکام تعدد زوجات نمی‌توان یافت. همچنین برخلاف کتاب مقدس که به حکمت و مصلحت تعدد زوجات نپرداخته، قرآن حکمت جواز آن را مصالح اجتماعی بیان کرده است.

کلیدواژه‌ها: چندهمسری، کتاب مقدس، عهد عتیق، عهد جدید، قرآن کریم.

یکی از نهادهای بنیادین و پراهمیت اجتماعی که نقش محوری و قابل توجهی در زمینه تربیت و رشد افراد انسانی و کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی دارد و زیربنای بسیاری از مسائل مربوط به جامعه انسانی به‌شمار می‌رود، نهاد «خانواده» است (نجاتی، ۱۳۷۱، ص ۶۷). خانواده اساس و زیربنای بسیاری از نهادهای اجتماعی دانسته می‌شود؛ لذا خانواده قدرتمندترین کانون اثرگذاری و مؤثرترین مرکز سامان‌یابی یا نابسامانی جامعه به‌شمار می‌آید؛ به‌گونه‌ای که ثبات یا بی‌ثباتی خانواده به‌صورت مستقیم در ثبات یا بی‌ثباتی جامعه تأثیرگذار است (نجاتی، ۱۳۷۱، ص ۶۷). از این رو توجه به خانواده و مسائل مرتبط با آن از اهمیت بسزایی برخوردار است. از جمله مباحث مربوط به خانواده، موضوع «چندهمسری» یا «چندکامی» یا «ازدواج چندگانه» یا «زوجیت اشتراکی» (Polygamy) است. وضعیت چندهمسری در خانواده، وضعیتی خاص است که در آن، یکی از زن یا مرد یا هر دوی آنها در خانواده دارای بیش از یک همسر رسمی‌اند؛ یعنی مرد یا زن در خانواده هم‌زمان با چند همسر ازدواج رسمی می‌کند. اگرچه به‌نظر می‌رسد که تک‌همسری را به‌دلیل روح مالکیت فردی و اختصاصی در انسان بتوان طبیعی‌ترین وضعیت از شکل خانواده دانست، اما گونه‌های چندهمسری نیز قابل تصورند که برخی از آنها دارای رواج نیز بوده و هستند. اقسامی که برای مسئله چندهمسری می‌توان تصور کرد، عبارت‌اند از: چندشوهری؛ چندزنی یا تعدد زوجات؛ و کمونیسم جنسی. کمونیسم جنسی، که در آن هیچ‌یک از زن و مرد به یکدیگر اختصاص ندارند و هم‌زمان با چند مرد یا زن دیگر همسر هستند، در واقع نفی زندگی خانوادگی و فروریختن کانون خانواده را به‌همراه دارد. لذا هیچ‌گاه مورد نظر و رضایت طبع نوع بشر قرار نگرفته است و حتی در دوره‌های پیش از تاریخ نیز نمونه‌ای برای آن نمی‌توان یافت. گونه چندشوهری نیز اگرچه به‌ندرت در برخی جوامع، مانند قبایل تبت، به‌صورت محدود وجود داشته است، اما با مروری بر تاریخ دیده می‌شود که این نوع از خانواده نیز نتوانسته است به‌صورت چشمگیر و گسترده جایی برای خود در میان فرهنگ‌ها و جوامع بشری باز کند.

برخلاف چندهمسری به‌شکل چندشوهری یا کمونیسیم جنسی، چندهمسری به‌صورت چندزنی یا تعدد زوجات سنتی دیرینه از زمان‌های دور در اقوام، ملل، فرهنگ‌ها و ادیان مختلف بوده است (دورانت، ۱۳۷۰، ص ۵؛ رضوانی، ۱۳۸۶، ص ۵۰۷). کشورهای غرب آسیا (مانند ایران، عربستان، عراق و فلسطین) را می‌توان به‌عنوان کشورهای شناخت که تاریخی طولانی در جواز چندزنی داشته‌اند (منتسکیو، ۱۳۴۹، ص ۴۳۴-۴۳۵). در سایر نقاط جهان (مانند چین، هند، اندونزی، مالزی، یونان، آفریقا و آمریکا) نیز شکل چندزنی و تعدد زوجات از خانواده رواج داشته است. همچنین در تمدن‌های کهنی مانند تمدن مصریان، عراق قدیم، ایرانیان، آشوریان، بابلیان و هندوها مسئله تعدد زوجات و چندزنی جایز شمرده می‌شده است (منتسکیو، ۱۳۴۹، ص ۴۳۴-۴۳۵؛ احمدعبدالعزیز، بی‌تا، ص ۱۵۷). اندیشمندان عوامل مختلفی را در فلسفه اقبال جوامع به مسئله تعدد زوجات بیان کرده‌اند؛ از جمله: مسائل اقتصادی و معیشت،

وظایف جامعه در قبال یتیمان و بیوه‌زنان، وضعیت جسمانی و طبیعت زن و مرد، شرایط آب‌وهوایی و محیط جغرافیایی، عادت ماهیانه و عدم آمادگی زن در برخی مقاطع برای تمتع مرد، فزونی تعداد زنان نسبت به مردان، تکرر در فرزندان و عشیره، و... (السعدی، ۱۳۸۷، ص ۳۱۶-۳۲۳؛ طباطبایی، بی‌تا، ص ۴۰؛ زحیلی و دیگران، ۲۰۰۰، ج ۹، ص ۶۶۷۰-۶۶۷۳؛ عبدی‌پور، ۱۳۸۸، ص ۱۱). باین‌حال آمارهای کشورهای مختلف نشان می‌دهد که چندهمسری مردان، از اواخر قرن نوزده میلادی کاهش قابل توجهی در جهان (به‌ویژه در کشورهای آسیای شرقی و اروپایی) داشته است؛ به‌گونه‌ای که به ممنوعیت آن در برخی از این کشورها منجر شده است. از این‌رو امروزه در بسیاری از کشورهای جهان، حتی برخی کشورهای مسلمان، با اینکه خیانت به زن بدون اطلاع یا رضایت او قانونی به‌شمار می‌آید، تعدد زوجات و چندزنی غیرقانونی شمرده می‌شود. بنابراین آنچه در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته به‌صورت قانونی رواج دارد، شکل تک‌همسری از زندگی زناشویی و تشکیل خانواده است. برخی از اشکالاتی که این جوامع بر مسئله چندزنی و تعدد زوجات وارد می‌کنند، عبارت است از: تنافی چندزنی با حقوق زنان، گسترش شهوت‌پرستی، عدم مشارکت یکسان مردان در تربیت فرزندان، ایجاد مشکلات روحی و جسمی برای زنان و مردان، ایجاد اختلال در روابط میان اعضای خانواده و محیط زناشویی (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۴، ص ۱۸۹-۱۹۰؛ مطهری، ۱۳۷۷، ص ۳۴۹؛ مطهری، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۴۵۲؛ زحیلی و دیگران، ۲۰۰۰، ص ۲۵؛ رضوانی، ۱۳۸۶، ص ۵۱۲).

مسئله چندهمسری به‌شکل چندزنی یا تعدد زوجات مورد نظر و توجه برخی آیین‌ها و ادیان، مانند آیین هندویی، بودایی، مسیحیت، یهودیت و اسلام نیز بوده است (دورانت، ۱۳۷۰، ص ۵؛ منتسکیو، ۱۳۳۹، ص ۴۳۴-۴۳۵؛ مهریزی، ۱۳۸۲، ج ۷، ص ۴۹۱). کتاب‌های مقدس ادیان مختلف نیز به مقوله چندهمسری و تعدد زوجات توجه داشته و نگاه‌های منفی یا مثبت خود را به این مسئله بیان کرده‌اند. البته شکل‌های چندشوهری و کمونیسیم جنسی از گونه‌های چندهمسری به‌هیچ‌وجه مورد تأیید ادیان الهی و کتاب‌های آسمانی نبوده است و آنچه تا حدودی مورد پذیرش برخی کتاب‌های آسمانی قرار گرفته، شکل چندزنی و تعدد زوجات از چندهمسری بوده است. در این میان، قرآن کریم و عهد عتیق و عهد جدید از کتاب مقدس نیز نگاه ویژه‌ای به مسئله چندهمسری مبذول داشته‌اند. لذا آنچه در این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی - تطبیقی دنبال خواهیم کرد، بررسی چندهمسری به‌شکل چندزنی و تعدد زوجات از منظر کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید) و قرآن کریم خواهد بود و به این پرسش‌ها پاسخ داده خواهد شد: آیا مسئله تعدد زوجات و چندزنی مورد تأیید کتاب مقدس و قرآن کریم قرار گرفته است؟ چه تفاوت‌ها یا شباهت‌هایی در نگاه آنها به مسئله چندزنی وجود دارد؟ اهداف، احکام، شرایط و محدودیت‌های هر یک از آنها در این مسئله چیست؟

تأنجاکه مورد تتبع نگارنده قرار گرفت، مقاله یا پروژه تحقیقاتی جامع و کاملی، به‌ویژه به‌صورت تطبیقی، در این موضوع یافت نشد. بنابراین با توجه به اهمیت مسئله خانواده و فقدان پژوهش و تحقیق کامل و جامع درباره چندهمسری و تعدد زوجات از منظر کتاب مقدس و قرآن کریم، ضرورت تحقیق در این‌باره آشکار می‌شود.

۱. چندهمسری از منظر کتاب مقدس

همان طور که گفته شد، توجه به مسئله چندهمسری به گونه چندزنی و تعدد زوجات را در تمدن‌ها و آیین‌های کهن می‌توان رهیابی کرد و در غالب آنها نگاه ایجابی یا سلبی به این مسئله قابل مشاهده است. از جمله این آیین‌ها، یهودیت و مسیحیت با محوریت «کتاب مقدس» می‌باشند. در این بخش به بررسی موضوع در کتاب مقدس یهودیان و مسیحیان خواهیم پرداخت. شایان توجه است که «کتاب مقدس» را سی نفر به سه زبان یونانی، آرامی و عبری در طول حدود ۱۶۰۰ سال نگاشته‌اند و مشتمل بر ۶۶ کتاب جداگانه است (لیندسی، ۱۹۷۶، ص ۴). بخش‌های اصلی و عمده کتاب مقدس را «عهد عتیق» و «عهد جدید» شامل می‌شود. آنچه نزد یهودیان دارای اعتبار و قداست است، بخش عهد عتیق است که مشتمل بر ۳۹ کتاب می‌باشد. برخلاف مسیحیان که مجموع ۶۶ کتاب عهد عتیق و جدید را مقدس می‌شمارند. در اینکه نویسندگان کتاب‌های بخش عهد عتیق چه کسانی هستند و آیا این کتاب‌ها وحی الهی‌اند، یا منشأ انسانی دارند؟ رویکردها و دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد که در این مقاله فرصت پرداختن به آنها نیست. از آنجاکه میان آموزه‌های عهد عتیق و عهد جدید از کتاب مقدس، تفاوت‌های بسیاری وجود دارد، مسئله تعدد زوجات و شکل چندزنی از چندهمسری را به صورت جداگانه در هریک از عهد عتیق و عهد جدید مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱-۱. چندهمسری در عهد عتیق

بر پایه اسناد و گزارش‌های تاریخی، سنت و شیوه چندزنی و تعدد زوجات همواره میان یهودیان در طول تاریخ این قوم وجود داشته است. این گزارش‌ها حکایت از آن دارند که یهودیان اروپایی تا قرن شانزدهم و یهودیان آسیایی تا پیش از آمدن به اسرائیل پایبند به سنت تعدد زوجات و جواز و مشروعیت آن بوده‌اند. آنچه مانع از تداوم این سنت در میان یهودیان گردیده، قوانین مدنی اسرائیل و برخی کشورهای اروپایی بوده است (شریف، ۱۳۸۷، ص ۲). البته در هیچ بخش از عهد عتیق تصریح به جواز یا ممنوعیت تعدد زوجات نشده است (احمد عبدالعزیز، بی‌تا، ص ۱۵۷)؛ اما از برخی مطالب مطرح‌شده در آن (مانند: تثنیه، باب ۲۱، فقرة ۱۵؛ پیدایش، باب ۱۶، فقرة ۲) و نیز از نوشته‌های روحانیون و خاخام‌های یهودی می‌توان جواز و مشروعیت تعدد زوجات را به دست آورد.

۱-۱-۱. مطالب دال بر جواز تعدد زوجات در عهد عتیق

چنان‌که گفته شد، در عهد عتیق به جواز یا ممنوعیت تعدد زوجات تصریح نشده است؛ اما به دلالت ضمنی و التزامی می‌توان از برخی مطالب جواز و مشروعیت آن را از عهد عتیق به دست آورد. در ادامه به بیان برخی از این موارد می‌پردازیم.

الف) داستان‌های زندگی انبیا

مسئله تعدد زوجات و چندزنی به عنوان شیوه‌ای پذیرفته‌شده و معمول در میان برخی انبیای بنی اسرائیل علیهم‌السلام در سراسر عهد عتیق قابل مشاهده و تأیید است. داستان انبیای متعددی در عهد عتیق گفته شده است که به ازدواج هم‌زمان با بیش از یک همسر اقدام کرده‌اند؛ مانند:

۱. داستان ازدواج حضرت ابراهیم علیه السلام با ساره و هاجر (سفر پیدایش، باب شانزدهم)؛

۲. داستان ازدواج حضرت یعقوب علیه السلام با راحیل و لیه (سفر پیدایش، باب ۲۹)؛

۳. داستان ازدواج‌های متعدد حضرت داود علیه السلام؛ به‌گونه‌ای که در کتاب دوم سموئیل از کثرت زنان دائمی (۹۹ زن) و موقت

(سیصد کنیز) برای حضرت داود علیه السلام سخن به‌میان آمده است (کتاب دوم سموئیل، ۱۳، ۵؛ همچنین پیدایش، ۱۸، ۹)؛

۴. داستان همسران متعدد حضرت سلیمان علیه السلام. در کتاب پادشاهان گفته شده که حضرت سلیمان علیه السلام هفتصد زن و سیصد کنیز داشته است (کتاب اول پادشاهان، ۱۱، ۳).

ب) تعدد زوجات اجباری

یکی از داستان‌هایی که در عهد عتیق به آن اشاره شده، داستان عروس یهودا به‌نام «تامار» است که پس از فوت شوهرش به ازدواج برادر شوهر خود، که دارای همسر بود، درآمد. همچنین در سفر تثبیه از عهد عتیق می‌خوانیم: «هرگاه دو برادر باهم در یک جا ساکن باشند و یکی از آنها بدون داشتن پسری بمیرد، بیوه‌اش نباید با فردی خارج از خانواده ازدواج کند؛ بلکه برادر شوهرش باید او را به زنی بگیرد و حق برادر شوهری را به‌جا آورد...» (سفر تثبیه، ۲۵، ۱-۵). با توجه به این بخش از عهد عتیق می‌توان وجوب و ضرورت تعدد زوجات (بالاتر از جواز و مشروعیت) در خصوص ازدواج زن شوهرمرده‌ای که پسر ندارد با برادر شوهر خود را استنباط کرد. جالب اینجاست که طبق آیات سفر پیدایش، در این مورد، رضایت همسر اول برای ازدواج مرد با زن برادر لازم نیست و مرد می‌تواند بدون اجازه و رضایت همسر اول خود با زن برادرمرده خویش ازدواج کند (پیدایش، ۳۸، ۸-۱۰).

بر اساس همین آیات موجود در تورات (عهد عتیق)، یکی از رسوم کهن یهودیان در تاریخ یهودیت ازدواج مردان با همسران برادر متوفای خویش بوده است.

ج) احکام فقهی

از برخی احکام فقهی آیین یهود که در عهد عتیق آمده، مشروعیت و جواز تعدد زوجات قابل استنباط است؛ مانند احکام مربوط به چگونگی تقسیم اموال فرد متوفی میان فرزندان و پسرانی که از زنان مختلف‌اند (تثبیه، ۷، ۲۲).

۲-۱-۱. تعداد مجاز زوجات در عهد عتیق

همان‌طور که گفته آمد، اگرچه جواز و مشروعیت تعدد زوجات و چندزنی را از لابه‌لای داستان‌ها و مطالب عهد عتیق می‌توان برداشت و استنباط کرد، اما هیچ نص و تصریحی بر جواز آن نمی‌توان یافت. بنابراین بدیهی است که هیچ نص و تصریحی نیز بر تعداد معین زوجات و همسرانی که یک مرد مجاز است هم‌زمان داشته باشد نیز در عهد عتیق وجود ندارد (ابوزهرة، ۱۴۲۶ق، ص ۶). البته در کتاب تلمود سقف مجاز تعداد زوجات که توصیه شده، عدد چهار است و بیشتر از آن توصیه نمی‌شود. بنابراین با توجه به عدم تعیین عدد معین در عهد عتیق،

طبق گزارش‌های تاریخی تا قرن یازدهم، تعدد زوجات و چندزنی بدون محدودیت در تعداد زوجات در آیین یهود تداوم داشته است؛ اما در این قرن (یازدهم) توسط احبار ممنوع اعلام شد (طباطبائی، ۱۳۹۳ق، ج ۴، ص ۱۸۲؛ زحیلی و دیگران، ۲۰۰۰، ص ۲۵).

۳-۱-۱. ممنوعیت تعدد زوجات در عهد عتیق

شاید بتوان گفت تنها محدودیتی که درخصوص چندزنی در عهد عتیق می‌توان یافت، ازدواج هم‌زمان با خواهر زن است (لاویان ۱۸، ۱۸)؛ یعنی ازدواج هم‌زمان با دو خواهر در عهد عتیق ممنوع اعلام شده است. البته از محدود کردن ممنوعیت چندزنی در مورد یادشده می‌توان اصل جواز تعدد زوجات و چندزنی را برداشت کرد.

۴-۱-۱. احکام و شرایط تعدد زوجات در عهد عتیق

اگرچه در تعالیم آیین یهود شرایط و احکام مختلفی برای تعدد زوجات بیان شده است (مانند: عقیم یا دیوانه بودن زن نخست، رعایت عدالت میان زنان، تمکن مالی مرد برای تأمین نیازهای زوجات متعدد، و...)، اما در عهد عتیق، همان‌طور که به جواز یا ممانعت تعدد زوجات و چندزنی تصریح نشده، به احکام و شرایط تعدد زوجات نیز اشاره نشده است (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۳۳۷-۳۴۱).

۲-۱-۱. چندهمسری در عهد جدید

در اصطلاح، به اناجیل چهارگانه و ضمایم آنها در کتاب مقدس «عهد جدید» گفته می‌شود. عهد جدید نزد مسیحیان قداست دارد؛ اما یهودیان آن را مقدس نمی‌شمارند. بر اساس آموزه‌های قرآنی و همچنین تصریح خود عهد جدید، شریعت حضرت موسی ﷺ و تورات، از جانب حضرت عیسی ﷺ نسخ نشد؛ بلکه حضرت عیسی ﷺ تمام‌کننده و کامل‌کننده شریعت تعطیل شده حضرت موسی ﷺ و تحقق‌بخش آن بوده است. در عهد جدید از زبان حضرت عیسی ﷺ می‌خوانیم: «فکر نکنید که من آمده‌ام تا تورات و نوشته‌های پیامبران را باطل سازم؛ نیامده‌ام تا باطل نمایم؛ بلکه آمده‌ام تا آنها را تمام کنم» (متی، ۵، ۱۸-۱۹). در قرآن نیز از زبان حضرت عیسی ﷺ خطاب به بنی‌اسرائیل چنین نقل شده است: «وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ...» (صف: ۶)؛ و هنگامی را که عیسی پسر مریم گفت: ای فرزندان اسرائیل، من فرستاده خدا به سوی شما هستم؛ تورات را که پیش از من بوده، تصدیق می‌کنم. بر این اساس، احکامی که در شریعت حضرت موسی ﷺ و عهد عتیق وجود دارد، باید مورد قبول و عمل مسیحیان نیز باشد؛ اما بر اساس برخی اعتقادات تحریف‌شده، بخش عهد عتیق از کتاب مقدس با اینکه برای مسیحیان نیز مقدس است، مورد عمل و استناد ایشان نیست و اساساً «شریعت» توسط پولس که مؤسس مسیحیت جدید است، نفی گردید. حال باید دید که عهد جدید درباره تعدد زوجات چه موضعی دارد.

۱-۲-۱. ازدواج در عهد جدید

در ابتدا باید دید کدام یک از دو روش تجرد و ازدواج مورد تأکید و تأیید عهد جدید برای زندگی است. در این باره باید گفت: اگرچه حضرت عیسی مسیح[ؑ] به دلیل شرایطی که داشت، خود شیوه تجرد را برای زندگی خویش برگزید و ازدواج نکرد، اما هیچ‌گاه پیروان خود را نیز از ازدواج نهی نفرمود؛ بلکه از سخنان وی در عهد جدید توصیه به ازدواج فهمیده می‌شود: و اما در آغاز آفرینش، پروردگار آنها را به صورت مرد و زن آفرید. از این رو مرد باید پدر و مادرش را ترک کند تا به همسرش بپیوندد و هر دو یک تن شوند. از آن به بعد، آنها نه دو تن، که یکی هستند. پس آنچه را که خدا به هم رسانده است، کسی حق ندارد جدا کند (متی، ۱۹، ۵ و ۶؛ مرقس، ۱۰، ۶-۹).

علاوه بر این، حضرت عیسی[ؑ] احیاکننده تعلیمات تورات بود و آنچه در تورات مورد توصیه و تأیید است، شیوه ازدواج در زندگی است؛ شیوه‌ای که مردم ناصره به آن عمل می‌کردند و حضرت عیسی[ؑ] ایشان را از آن نهی نکرد (لوقا، ۲، ۵۱-۵۲؛ متی، ۱۹، ۴؛ عبرانیان، ۱۳، ۴). به‌رغم این شواهد که بر شیوه ازدواج در زندگی دلالت دارد، در موارد متعددی از متون عهد جدید، به‌ویژه در نامه‌های پولس که در عهد جدید هم‌رتبه^۱ اناجیل چهارگانه است (به‌ویژه در نامه اول پولس به قرتیان)، آنچه مورد توصیه اولیه و تأکید قرار گرفته، شیوه تجرد در زندگی است. در نامه اول پولس به قرتیان می‌خوانیم:

ای کاش همه می‌توانستند مانند من مجرد بمانند؛ ولی ما همه مانند هم نیستیم. خدا به هر کس نعمتی بخشیده است. نعمت هر کس با دیگری متفاوت است. پس به انانی که هنوز ازدواج نکرده‌اند و نیز به بیوه‌زان، می‌گویم که بهتر است اگر می‌توانند، مثل من مجرد بمانند؛ اما اگر نمی‌توانند بر امیال خود مسلط باشند، بهتر است که ازدواج کنند؛ زیرا ازدواج کردن، بهتر است از سوختن در آتش شهوت (قرنتیان، ۷، ۹-۷).

همچنین می‌خوانیم: «پس بدانید کسانی که ازدواج می‌کنند، به مشکلات دنیوی دچار خواهند شد و من شما را از آن نهی می‌کنم. ای برادران، می‌خواهم بگویم که زمان موعود بسیار نزدیک شده است» (قرنتیان، ۷، ۲۸-۲۹)؛ «اگر با زن بسته شدی، جدایی مجبوری؛ و اگر از زن جدا هستی، دیگر زن نخواه!» (قرنتیان، ۷، ۲۷). بر این اساس، ازدواج در نگاه پولس در عهد جدید هنگامی توصیه می‌شود که فرد هیچ راهی به‌جز ازدواج برای حفظ خود از گناه، پیش رو نداشته باشد. در واقع تمام توجه باید معطوف به آخرت باشد و هر آنچه ذهن انسان را از توجه به آخرت باز می‌دارد، مذموم است. ازدواج و رابطه زناشویی نیز هنگامی که تأمین‌کننده سعادت اخروی باشد، مورد قبول و توصیه است و در غیر این صورت توصیه نمی‌شود. این نوع نگاه به ازدواج سبب شد که آنچه بر تعالیم و آموزه‌های کلیسا غالب شود، مجرد ماندن و پرهیز از ازدواج باشد.

۱-۲-۲. ممنوعیت تعدد زوجات در مسیحیت

بر اساس گزارش‌های تاریخی، در قرون اولیه میلادی تعدد زوجات در میان مسیحیان (دست‌کم در میان پادشاهان) وجود داشته و ممنوعیتی نیز از ناحیه کلیسا متوجه آن نبوده است (منتسکیو، ۱۳۴۹ق، ص ۴۳۴؛ لحام، ۱۴۲۲ق، ص ۲۹). در عهد جدید نیز اگرچه درباره جواز آن صراحتاً چیزی گفته نشده است، اما هیچ تصریحی نیز درباره

ممنوعیت آن وجود ندارد (اوجین، ۱۹۷۵، ص ۱۴۰): بلکه می‌توان گفت، اینکه حضرت عیسی مسیح علیه السلام یهودیانی را که اقدام به تعدد زوجات می‌کردند، از این کار بازداشتند و نهی نکردند، شاهد خوبی است بر اینکه این شیوه از ازدواج مورد تأیید آن حضرت بوده است (اوجین، ۱۹۷۵، ص ۱۴۰)؛ لکن شاهد آن هستیم که به‌رغم عدم ممنوعیت تعدد زوجات در عهد جدید و سیره حضرت عیسی علیه السلام، نظام جدید کلیسا با انگیزه‌های مختلفی آن را ممنوع اعلام کرد و مسیحیان را از این روش ازدواج بازداشت؛ به‌گونه‌ای که امروزه شیوه تک‌همسری از ویژگی‌های دین مسیحیت شناخته می‌شود (عبدالفتاح، ۱۴۰۸ق، ص ۳۵۹؛ لحام، ۱۴۲۲ق، ص ۲۹؛ رضوانی، ۱۳۸۶، ص ۵۰۸). برخی معتقدند که دلیل اصلی ممنوعیت تعدد زوجات در مسیحیت، به فضای فرهنگی رومی - یونانی قرون وسطی بازمی‌گردد که در آن، فرهنگ تک‌همسری حاکم و قانونی بوده است و کلیسای مسیحی نیز به‌منظور هماهنگی و تطبیق خود با آن فرهنگ، حکم به ممنوعیت تعدد زوجات داده است. بنابراین قانون تک‌همسری در آموزه‌های دینی و متون مقدس مسیحیت ریشه ندارد؛ بلکه تصمیمی برگرفته از مسائل برون‌دینی بوده است (اوجین، ۱۹۷۵، ص ۱۴۰). سخن سنت آگوستین شاهد این مطلب است: «اکنون در زمان ما و بر طبق آداب و رسوم رومیان، درواقع دیگر اجازه برگزیدن زن دیگری وجود ندارد» (اوجین، ۱۹۷۵، ص ۱۷).

۳-۲-۱. احکام و شرایط تعدد زوجات در عهد جدید

با توجه به اینکه جواز تعدد زوجات در عهد جدید مورد تصریح قرار نگرفته و از طرفی این شیوه از ازدواج در تعالیم کلیسا ممنوع اعلام شده، هیچ حکم و شرایط خاصی نیز برای آن در عهد جدید بیان نشده است. همچنین با ممنوعیت تعدد زوجات در مسیحیت، مسئله تعدد مجاز از اختیار کردن زوجات در عهد جدید دیگر موضوعیتی نخواهد داشت.

۲. چندهمسری از منظر قرآن کریم

از میان گونه‌های مختلف چندهمسری آنچه مورد پذیرش قرآن کریم قرار گرفته، تعدد زوجات یا چندزنی است. برخلاف کتاب مقدس (اعم از عهد عتیق و عهد جدید) که هیچ تصریحی به جواز یا ممنوعیت تعدد زوجات ندارد، در قرآن کریم به‌صورت صریح در این باره سخن گفته شده است. در چند موضع از قرآن کریم به مسئله چندزنی و تعدد زوجات توجه شده، که اگرچه بیشتر آنها مربوط به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است، اما برخی موارد نیز به بیان حکم تعدد زوجات برای عموم مسلمانان اختصاص دارد؛ مانند:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ لَتَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ» (تحریم: ۱)؛ ای پیغمبر، برای چه آن را که خدا بر تو حلال فرمود، تو بر خود حرام می‌کنی تا زنان را از خود خشنود سازی؟

«وَإِذْ أَسْرَ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ» (تحریم: ۳)؛ وقتی پیغمبر با بعضی زنان خود سخنی به راز گفت و آن زن (چون خیانت کرده و دیگری را) بر سر پیغمبر آگه ساخت...

«عَسَى رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَنَّ أَنْ يُبْدِلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكَ مُسْلِمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ قَاتِنَاتٍ تَأْتِيَنَّاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا» (تحریم: ۵)؛ امید است که اگر پیغمبر شما را طلاق داد، خدا زنی بهتر از شما به‌جایتان با او همسر کند...

«النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَ أَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ» (احزاب: ۶)؛ پیغمبر سزاوارتر به مؤمنان است از خود آنها و زنان او در حکم مادران مؤمنان‌اند.

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَرْضُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَرَبَّتْهَا فَتَعَالَيْنَّ أُمَمٌ كُنَّ وَ أَسْرَحُكُنَّ سَرَّاحًا جَمِيلًا» (احزاب: ۲۸)؛ ای پیغمبر، با زنان خود بگو که اگر شما زندگانی با زیب و زیور دنیا را طالبید، بیایید تا من مهر شما را پرداخته، همه را به‌خوبی و خرسندی طلاق دهم.

«يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَن يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ» (احزاب: ۳۰)؛ ای زنان پیغمبر، از شما هر که به کار ناروای آشکاری دانسته اقدام کند، او را دو برابر دیگران عذاب کنند.

«يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنْ أَتَيْتُنَّ» (احزاب: ۳۲)؛ ای زنان پیغمبر، شما مانند دیگر زنان نیستید (بلکه مقامتان رفیع‌تر است)؛ اگر خداترس و پرهیزکار باشید.

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ وَ مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا آفَاءَ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ بَنَاتِ عَمِّكَ وَ بَنَاتِ عَمَّاتِكَ وَ بَنَاتِ خَالَكَ وَ بَنَاتِ خَالَاتِكَ اللَّاتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَ امْرَأَةً مُؤْمِنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (احزاب: ۵۰)؛ ای پیغمبر! ما زنانی را که مهرشان را ادا کردی، بر تو حلال کردیم و نیز کنیزانی را که به‌غنیمت خدا تو را نصیب کرد و ملک تو شد و... نیز زن مؤمنه‌ای را که خود را به رسول بخشید و رسول هم به نکاحش مایل باشد؛ که این حکم (هبه و بخشیدن زن و حلال شدن او) مخصوص توست دون مؤمنان...؛ و خدا را مغفرت و رحمت بسیار است.

«وَ لَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَ لَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوهَا كَالْمَعْلَقَةِ وَ إِنْ تَصْلِحُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا» (نساء: ۱۲۹)؛ شما هرگز نتوانید میان زنان به عدالت رفتار کنید؛ هرچند راغب و حریص (بر عدل و درستی) باشید. پس به تمام میل خود یکی را بهره‌مند و آن دیگر را محروم نکنید تا او را بالاتکلیف گذارید. و اگر سازش کنید و پرهیزکار باشید، همانا خدا بخشنده و مهربان است.

«وَ إِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَقْسِطُوا فِي الْبَيْتَامَى فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَ ثَلَاثَ وَ رُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعْوَلُوا» (نساء: ۳)؛ اگر از این ترس داشتید که دربارهٔ یتیمان عدالت را رعایت نکنید، با زنی ازدواج کنید که دلخواهتان باشند؛ دو زن، سه زن و چهار زن؛ اما اگر می‌ترسید که نتوانید با عدالت با آنها رفتار کنید، پس فقط با یک نفر ازدواج کنید یا چنانچه کنیزی دارید، به آن اکتفا کنید، که این نزدیک‌تر به عدالت و ترک ستمکاری است.

در میان این آیات، آیهٔ اخیر (آیهٔ سوم از سورهٔ نساء) بیش از سایر موارد و به صورت صریح به مسئلهٔ تعدد زوجات و چندزنی توجه کرده و تفصیلات کامل تری را در این باره بیان نموده است. این آیهٔ شریفه دربارهٔ آن دسته از بیتامانی بوده است که به سبب جنگ‌ها پدران خویش را از دست داده و بدون سرپرست شده بودند. بنابراین سایر مسلمانان اقدام به سرپرستی و ادارهٔ دارایی‌های ایشان کرده بودند.

۱-۲. جواز تعدد زوجات از منظر قرآن کریم

از منظر قرآن کریم تعدد زوجات و چندزنی در چهارچوبی خاص و محدوده‌ای معین مجاز است. علاوه بر آیات متعددی که بر داشتن همسران متعدد توسط پیامبر اکرم ﷺ دلالت دارند، در آیهٔ ۳ از سورهٔ نساء می‌خوانیم: «فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَتْنًى وَ ثَلَاثَ وَ رُبَاعَ»؛ با زانی که دل‌خواهتان است ازدواج کنید؛ دو یا سه یا چهار تا. در این آیهٔ شریفه صراحتاً سخن از جواز ازدواج با بیش از یک زن به میان آمده و این اجازه را به مسلمانان داده است که بنا بر دل‌خواه و پسند خودشان بیش از یک زن را برای ازدواج اختیار کنند (علامه حلی، ۱۴۱۸ق، ج ۷، ص ۸۲؛ کرکی، ۱۴۱۱ق، ج ۱۲، ص ۳۷۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰، ص ۲۱۷؛ نجفی، ۱۳۶۷، ج ۳۰، ص ۳). البته با توجه به اینکه قرآن کریم حکمت و مصلحت اجتماعی و اخلاقی موجود در حکم تجویز تعدد زوجات را بیان کرده و برای آن محدودیت و شرایط و چهارچوب خاص و معینی در نظر گرفته است، می‌توان گفت: قرآن کریم، نه مخترع و مبدع جواز تعدد زوجات بوده (چراکه پیش از اسلام نیز در برخی ادیان و فرهنگ‌ها و تمدن‌ها تعدد زوجات جایز بوده است)، و نه ناسخ آن بوده (چراکه قرآن کریم تعدد زوجات را صراحتاً تأیید کرده است)؛ اما به دنبال اصلاح و ضابطه‌مند و محدود کردن آن بوده است. اصلاحات و وضع ضوابط توسط قرآن را در این موارد می‌توان پی‌گرفت: الف) ایجاد محدودیت در تعداد مجاز زوجات؛ ب) وضع احکام و شرایط نسبتاً سختگیرانه در جواز تعدد زوجات؛ ج) جهت‌دهی در انگیزه‌های افراد در خصوص اقدام به تعدد زوجات. از این رو قرآن کریم عامل تجویز تعدد زوجات را تأمین مصالح اجتماعی و اقتضای ضرورت بیان می‌کند، نه باز گذاشتن دست مردان در زمینهٔ شهوت‌رانی و هوس‌بازی (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۴، ص ۱۹۱).

از مجموع مطالب و آموزه‌های قرآنی این نکته را نیز می‌توان دریافت که اگرچه قرآن کریم از تعدد زوجات نهی نکرده و صراحتاً آن را جایز شمرده است، اما پیشنهاد اولیهٔ قرآن در مورد ازدواج، شیوهٔ تک‌همسری است. در آیهٔ سوم از سورهٔ نساء می‌خوانیم: «اما اگر می‌ترسید که نتوانید با عدالت با آنها رفتار کنید، پس فقط با یک نفر ازدواج کنید»؛ حال چنانچه آیهٔ ۱۲۹ سورهٔ نساء، یعنی «شما هرگز نتوانید میان زنان به عدالت رفتار کنید؛ هر چند راغب و حریص (بر عدل و درستی) باشید؛ پس به تمام میل خود یکی را بهره‌مند و آن دیگر را محروم نکنید تا او را معلق و بلا تکلیف گذارید» را در کنار آیهٔ سوم قرار دهیم، روشن می‌شود که توصیهٔ اولیهٔ قرآن به مسلمانان، گونهٔ تک‌همسری است؛ چراکه در آیهٔ سوم سورهٔ نساء جواز تعدد زوجات را مشروط به رعایت عدالت کرده است؛ در حالی که در آیهٔ ۱۲۹ همین سوره تأکید می‌شود که هر مقدار هم که تلاش کنید، نمی‌توانید عدالت را میان همسران متعدد رعایت کنید. بنابراین

می‌توان نتیجه گرفت که تا امکان دارد و ضرورتی پیش نیامده است، نباید اقدام به تعدد زوجات کرد. همچنین بسیاری از پیامبرانی که قرآن کریم به نقل داستان زندگی آنها پرداخته است، تک‌همسری را برای خویش برگزیده‌اند؛ مانند حضرت آدم علیه السلام (اعراف: ۱۸۹ و بقره: ۳۵)، حضرت نوح علیه السلام (تحریم: ۱۰)، حضرت لوط علیه السلام (تحریم: ۱۰)، حضرت موسی علیه السلام (قصص: ۲۹). در واقع قرآن کریم در عین آنکه تعدد زوجات را جایز شمرده و برای آن احکام و شرایطی بیان کرده است، آن را شیوه برتر معرفی نمی‌کند؛ بلکه به‌دلیل تأمین برخی مصالح اجتماعی تعدد زوجات را جایز شمرده است. شاید به همین دلیل باشد که برخی فقهای مسلمان یکی از شروط جواز تعدد زوجات را «تحقق ضرورت» بیان کرده‌اند (باجوری، ۱۹۸۶، ج ۱، ص ۲۵۲).

۲-۲. تعداد مجاز زوجات از منظر قرآن کریم

برخلاف کتاب مقدس که محدوده و تعداد معینی را برای جواز تعدد زوجات مشخص نکرده (بلکه از داستان زنان حضرت داود علیه السلام و حضرت سلیمان علیه السلام نامحدود بودن جواز تعدد زوجات به‌دست می‌آید)، در قرآن کریم تعداد مجاز زوجات مشخص شده و بر جواز ازدواج با حداکثر چهار زن تأکید شده است، نه بیشتر (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۱؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۴۶): «فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَ ثَلَاثًا وَ رُبَاعًا» (نساء: ۳)؛ با زنی که دل‌خواهتان است، ازدواج کنید؛ دو یا سه یا چهار تا. فقها نیز بر پایه استناد به همین آیه شریفه به ممنوعیت ازدواج دائم با بیش از چهار زن فتوا داده‌اند (کرکی، ۱۴۱۱ق، ج ۱۲، ص ۲۷۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۷، ص ۳۴۸؛ نجفی، ۱۳۶۷، ج ۳۰، ص ۲). طبق برخی روایات اسلامی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حتی به افرادی که تازه مسلمان می‌شدند، می‌فرمودند که آن تعداد از همسرانی را که بیش از چهار هستند، رها کنند (بیهقی، ۱۴۰۶ق، ج ۷، ص ۱۴۹).

۲-۳. حکمت جواز تعدد زوجات از منظر قرآن کریم

با توجه به آیه سوم از سوره نساء می‌توان گفت که از منظر قرآن کریم، جواز تعدد زوجات به‌دلایل اجتماعی و اخلاقی و به‌سبب تعهدی است که فرد در برابر جامعه دارد. در آیه یادشده صراحتاً از یتیمان و بیوه‌زنان سخن به‌میان آمده و وظیفه جامعه در خصوص این گروه آسیب‌پذیر گوشزد شده است؛ یتیمانی که دارای اموالی هستند، ولی سرپرستی ندارند که به امور زندگی و اموال آنها سروسامان دهد و در جهت صلاح آنها اقدام کند؛ همچنین زنان جوانی که نیاز به همسر دارند، اما به‌سبب حوادث طبیعی یا جنگ یا... شوهران خود را از دست داده و بیوه شده‌اند و لذا خواستگار کمتری نسبت به دختران باکره دارند و کمتر به‌عنوان همسر اول انتخاب می‌شوند. بدون شوهر ماندن این گروه از زنان جامعه می‌تواند آسیب‌های روحی، روانی و اقتصادی برای خود آنها و نیز آسیب‌های اجتماعی و فساد و ناهنجاری‌های اخلاقی برای جامعه به‌همراه داشته باشد. قرآن کریم با تجویز تعدد زوجات با شرایط خاص، این امکان را فراهم ساخت تا این زنان جوان بیوه به ازدواج مردان درآیند و ضمن تأمین نیازهای عاطفی و اقتصادی خود و فرزندان به‌جامانده از شوهر قبلی، از فروافتادن در ورطه فساد و تباهی و فحشا ایمن

شوند؛ همچنین فرزندان یتیم ایشان نیز از نعمت مهر پدر و سرپرستی که عهده‌دار رسیدگی به دارایی‌های آنها باشد، بهره‌مند شوند: «وَأَتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا وَ إِن حِفْتُمْ إِلَّا تَقْسُطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَ ثَلَاثَ وَ رُبَاعَ (نساء: ۳)؛ اموال یتیمان را به آنان بدهید و دارایی‌های ناپاک خود را با دارایی پاک آنها عوض نکنید و اموال آنها را با اموال خود نیامیزید و صرف نکنید؛ چراکه گناه بزرگی است. اگر از این ترس داشتید که دربارهٔ یتیمان عدالت را رعایت نکنید، با زانی ازدواج کنید که دل‌خواهتان باشند؛ دو زن، سه زن و چهار زن.

در این آیهٔ شریفه، قرآن کریم پس از آنکه می‌فرماید: «اگر ترسیدید که دربارهٔ یتیمان به عدالت رفتار نکنید...»، با «فاء» تبریع می‌فرماید: «پس با زانی ازدواج کنید که خوشایندتان باشد و به پاکیزگی همراه باشد». در واقع راه‌حل قرآن کریم برای حل مشکل کفالت و سرپرستی یتیمانی که در جامعهٔ اسلامی بر روی دستان مادران شوهرمرده مانده، تجویز تعدد زوجات و چندزنی در چهارچوب معین و شرایط خاص و محدود است. در این راه‌حل، ضمن اینکه واقعیات جامعه دیده و برای معضلات آن چاره اندیشیده شده و پاکیزگی زن و جامعه از فساد و آلودگی مورد صیانت قرار گرفته است، کرامت انسانی و حقوق زن نیز مورد توجه بوده و جلو انگیزه‌های شهوت‌گرایانهٔ مردان در این زمینه گرفته شده است.

بنابراین می‌توان گفت: روح واقع‌گرایی و مثبت‌اندیشی‌ای که بر آموزه‌های اسلامی حاکم است، سبب تجویز تعدد زوجات در قرآن شده و به‌هیچ‌وجه این حکم برخاسته از نگرش مردسالارانه یا شهوت‌گرایانه نبوده است؛ از این رو با فطرت و طبع و خرد انسانی سازگار و با واقعیات زندگی انسان منطبق بوده و قابل تسری به زمان‌ها و مکان‌های مختلف است و پذیرفتنی است.

۲-۴. احکام تعدد زوجات از منظر قرآن کریم

قرآن کریم در کنار تجویز تعدد زوجات، احکام و شرایطی را نیز برای آن بیان می‌کند تا گمان نشود که تحت هر شرایطی و به هر نحوی می‌توان اقدام به تعدد زوجات کرد؛ بلکه قانون‌مدارانه و در چهارچوبی معین می‌توان بیش از یک زن را به همسری برگزید. برخی از این احکام عبارت‌اند از:

۱-۲-۴. رعایت عدالت و برابری در رفتار با زنان متعدد

قرآن کریم می‌فرماید: «فَإِنْ حِفْتُمْ إِلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً» (نساء: ۳)؛ اما اگر می‌ترسید که نتوانید با عدالت با آنها رفتار کنید، پس فقط با یک نفر ازدواج کنید. بنابراین از منظر قرآن نباید تعدد زوجات منجر به ظلم و تبعیض و بی‌عدالتی در حق زوجات شود؛ بلکه حقوق اقتصادی، عاطفی، امنیتی، همخوابگی و... زوجات باید به‌صورت عادلانه و بدون تبعیض از طرف مرد رعایت شود (طباطبائی، ۱۳۹۳ق، ج ۴، ص ۱۸۲؛ زحیلی و دیگران، ۲۰۰۰، ص ۲۵).

۲-۴-۲. عدم جواز اکراه و اجبار در تعدد زوجات

برخلاف عهد عتیق که صراحتاً بر لزوم ازدواج زن شوهرمرده با برادر شوهر خود تأکید داشت و هیچ حق انتخاب و گزینشی در این زمینه برای زن قائل نبود، در قرآن کریم هیچ اجبار و اکراهی در زمینه تعدد زوجات نیست و هرکس مختار است که در صورت تمایل، با هر کسی که بخواهد، ازدواج کند. اساساً در اسلام ازدواج اجباری و بدون اذن و رضایت همسران مشروعیت ندارد و قصد انشا در جاری ساختن صیغه عقد ازدواج لازم است.

۲-۴-۳. محدود بودن تعدد زوجات

برخلاف برخی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها و برخلاف عهد عتیق که محدوده معینی برای جواز تعدد زوجات قائل نبودند، قرآن کریم محدوده و تعداد معینی را برای جواز زوجات و همسرانی که یک مرد می‌تواند اختیار کند، مشخص کرده است. بنابراین از منظر قرآن کریم، مردها مجاز نیستند که هر تعداد همسر و زوجه اختیار کنند.

نتیجه‌گیری

مقایسه آموزه‌های قرآن کریم با آموزه‌های کتاب مقدس (به‌ویژه در مقایسه با عهد جدید) درباره چندهمسری، مشخص کرد که آموزه‌های قرآنی با فطرت و خرد انسانی سازگارتر است و رویکرد و جهت‌گیری قرآن در این باره مقبول‌تر به نظر می‌رسد. با توجه به مشترک بودن منبع کتاب مقدس و قرآن کریم، یعنی وحی الهی، و از طرفی اختلاف گسترده‌ای که در این مسئله میان این کتب مقدس مشاهده می‌شود، همچنین عدم انطباق برخی از آموزه‌های کتاب مقدس (به‌ویژه در بخش عهد جدید) با طبع و عقل، حقانیت و درستی معارف و آموزه‌های قرآن و تحریفی بودن کتاب مقدس موجود روشن می‌شود.

منابع

قرآن کریم.

- ابوزهره، محمد (۱۴۲۶ق). *تنظیم الاسرة و تنظیم النسل*. قاهره: دار الفكر العربی.
- احمد عبدالعزيز، الحصین (بی تا). *المرأة و مکاتبتها فی الاسلام*، کویت: مکتبه الصحابه الاسلامیه.
- اسعدی، سیدحسن (۱۳۸۷). *خانواده و حقوق آن*. مشهد: به نشر.
- اوجین، هیلمان (۱۹۷۵م). *نگاهی دوباره به تعدد زوجات: تعدد زوجات در آفریقا و کلیساهای مسیحیان*. نیویورک: کتاب اوربیس.
- باجوری، جمال محمد فقی رسول (۱۹۸۶م). *المرأة فی الفكر الاسلامی*. عراق: بی نا.
- بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۰۶ق). *السنن الکبری*. بیروت: یوسف عبدالرحمان مرعشلی.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۸ق). *مختلف الشیعه*. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- دورانت، ویل (۱۳۷۰). *تاریخ تمدن*. تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- رضوانی، علی اصغر (۱۳۸۶). *اسلام شناسی و پاسخ به شبهات*. قم: مسجد مقدس جمکران.
- زحیلی، وهبه، البغا، مصطفی و لحام، حنان (۲۰۰۰م). *تعدد الزوجات فی الاسلام*. تحقیق: محمد الجش. دمشق: دار الحافظ.
- شریف، عبدالعظیم محمد (۱۳۸۷). *زن در اسلام و در فرهنگ یهودی - مسیحی*. ترجمه سیدمحمد افضلی. *مجله حواء*، ۶(۲۸)، ۱۰۵-۱۲۰.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق). *مسائل الافهام*. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- طباطبایی، سیدعلی (۱۴۱۲ق). *ریاض المسائل*. قم: نشر اسلامی.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۳ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: نشر اسلامی.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (بی تا). *تعدد زوجات و مقام زن در اسلام*. قم: انتشارات آزادی زن.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار المعرفه.
- عبدالفتاح، عبدالمنصف محمود (۱۴۰۸ق). *تعدد الزوجات فی الاسلام*. *مجله الاسلام*، ۴.
- عبدی پور، ابراهیم (۱۳۸۸). *تعدد زوجات. فقه و حقوق*، ۵(۲۰)، ۷-۲۹.
- کتاب مقدس (۲۰۰۲م). انگلستان: انتشارات ایلام.
- کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۱ق). *جامع المقاصد*. قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- لحام، شاکر (۱۴۲۲ق). *تعدد الزوجات*. دمشق: دار التوفیق.
- لیندسی، گوردن (۱۹۷۶م). *چرا کتاب مقدس کلام خداست*. ترجمه ط. میکائیلیان. تهران: دانش امروز.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۹). *نظام حقوق زن در اسلام*. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). *مجموعه آثار*. تهران: صدرا.
- منتسکیو (۱۳۴۹ق). *روح القوانين*. ترجمه علی اکبر مهتدی. تهران: امیر کبیر.
- مهریزی، مهدی (۱۳۸۲). *تعدد زوجات*. در: *دانشنامه جهان اسلام*. تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی.
- نجاتی، حسین (۱۳۷۱). *روان شناسی رشد (از کودکی تا نوجوانی)*. تهران: مهشاد.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۶۷). *جواهر الکلام*. تحقیق: قوچانی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

Quran.

Abdi Pour, E. (2009). Ta'addud zawajat. Fiqh va Hoghogh, 5(20), 7-29.

Abdulfattah, A. M. M. (1987). Ta'addud zawajat fi al-Islam. Al-Islam Magazine, 4.

Abu Zahrah, M. (2005). Tanzim al-usrah wa tanzim al-nasl. Cairo: Dar al-Fikr al-Arabi.

Ahmad Abd al-Aziz, al-Hussain. (n.d.). Al-mar'ah wa makanatuha fi al-Islam. Kuwait: Maktabat al-Sahabah al-Islamiyah.

Asadi, S. H. (2008). Khanevadeh va hoghoghe an. Mashhad: Beh Nashr.

Bajuri, G. M. F. R. (1986). Al-mar'ah fi al-fikr al-Islami. Iraq: [No publisher].

Bayhaqi, A. b. H. (1985). Al-sunan al-kubra. Beirut: Yusuf 'Abd al-Rahman al-Mar'ashli.

Bible. (2002). England: Elam Publications.

Durant, W. (1991). Tarikh tamaddon. Tehran: Entesharat Amuzesh Enqelab Islami.

Hilli, H. b. Y. (1997). Mughni al-shiah. Qom: Mu'assasah Nashr Islami.

Karaki, A. b. H. (1990). Jame' al-maqasid. Qom: Mu'assasat Al al-Bayt li-Ihya' al-Turath.

Lahham, S. (2001). Ta'addud zawajat. Damascus: Dar al-Tawfiq.

Lindsay, G. (1976). Why the Bible is God's word. Translated by T. Mikailian. Tehran: Danesh Emruz.

Mahrezi, M. (2003). Ta'addud zawajat. In Da'erat al-Ma'aref-e Jahan-e Eslami. Tehran: Bonyad Da'erat al-Ma'aref-e Islami.

Montesquieu. (1968). Roh al-qawanin. Translated by A. A. Mehtedi. Tehran: Amir Kabir.

Motahhari, M. (1990). Nezame hoghoogh zan dar Islam. Tehran: Sadra.

Motahhari, M. (1998). Majmueye asare motahhari. Tehran: Sadra.

Najafi, M. H. (1988). Jawahir al-kalam. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah.

Nejati, H. (1992). Ravanshenasi rasha'd (Az koodaki ta nowjavani). Tehran: Mehshad.

Oginga, H. (1975). Another look at polygamy: Polygamy in Africa and Christian churches. New York: Orbis Books.

Rizwani, A. A. (2007). Islamshenasi va pasokh beh shobahat. Qom: Masjid Moghadas Jamkaran.

Shahid Thani, Z. b. A. (1992). Masalik al-afham. Qom: Mu'assasat al-Ma'arif al-Islamiyah.

Sharif, A. M. M. (2008). Zan dar Islam va dar farhangi Yahudi-Masihai. Translated by S. M. Afzali. Houraa Journal, 6(28), 105-120.

Tabari, M. b. J. (1991). Jame' al-bayan fi tafsir al-Quran. Beirut: Dar al-Ma'rifa.

Tabarsi, F. b. H. (1993). Majma' al-bayan fi tafsir al-Quran. Tehran: Nasr-e Naser Khosrow.

Tabataba'i, A. (1991). Riadh al-masalik. Qom: Nashr Islami.

Tabataba'i, M. H. (1973). Al-mizan fi tafsir al-Quran. Qom: Nashr Islami.

Tabataba'i, M. H. (n.d.). Ta'addud zawajat wa maqam zan dar Islam. Qom: Intisharat Azadi Zan.

Zuhaili, W., al-Bagha, M., & Lahham, H. (2000). Ta'addud al-zawajat fi al-Islam. Damascus: Dar al-Hafiz.